

جایگاه و نقش جنسیت در تعیین کیفر تعزیری با تأکید بر ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی

آناهیتا سیفی^۱

مهیا حاتمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

چکیده

از ویژگی های فردی تاثیر گذار بر تعیین کیفر تعزیری جنسیت می باشد که قانونگذار هم در تعیین عنوان مجرمانه و هم در شیوه ی اجرای مجازات به آن توجه نشان داده است. بخشی که پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی به بررسی آن پرداخته ولی در بندهای ماده ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی مورد توجه قرار نگرفته است، جنسیت بزهکار و بزه دیده می باشد. نتایج این تحقیق نشان می دهد که جنسیت در اصول رهنمود محور (ماده ی ۱۸ ق.م.ا) هیچ جایگاهی نداشته و امتیازی برای زنان بزهکار و بزه دیده محسوب نمی گردد. درحالی که توجه قانونگذار به نقش جنسیت از این حیث می تواند واجد اثر باشد که قضات را در صدور آرائی متناسب با جنسیت بزهکاران و بزه دیدگان زن مکلف دارد. چرا که با توجه به بندهای ماده ی ۱۸ بنظر می رسد اعمال تاسیسات ارفاقی که در مسیر حرکت در راستای اصول رهنمود محور می باشد نسبت به بزهکاران جنس مؤنث می تواند الزامی گردد.

کلیدواژه ها: جنسیت، بزهکار، بزه دیده، ماده ۱۸ ق.م.ا، اصول رهنمود محور

^۱ . استادیار حقوق بین الملل، گروه مطالعات زنان، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. Email:a.seifi@atu.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری حقوق جزای و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اردبیل.

Email:m.hatamilaw@gmail.com



مقدمه

جنسیت واقعیت انکارناپذیر بر نظام آفرینش بوده و افراد انسانی را از همان ابتدای خلقت به دو گروه زن و مرد تقسیم کرده است. این تمایز دیرینه از یک سو پایه گذار زنجیره حیات بشری و از سوی دیگر زمینه ساز رویارویی و مقایسه پایداری است که پایان آن فرانخواهد رسید (هاشمی، ۱۳۸۳: ۲۲۳). جنسیت را در دو مقوله جدا تحت عنوان جنسیت بزهکار و بزه دیده می‌توان بررسی نمود.

بنابر اصل برابری افراد در قانون، حقوق کیفری ذاتاً حقوق غیرشخصی است یعنی برای همه‌ی تابعان یکسان است بدنی جهت قانونگذار هنگام تعریف جرائم و تعیین مجازات از معیار دوگانه استفاده نمی‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۱۱۱).

اما در موارد استثنائی به عنوان یک امتیاز حمایت برای برخی تابعان از این اصل عدول می‌شود. یکی از این موارد استثناء بر اساس جنسیت و حمایت از جنس زن است البته این تفاوت در مجازات به جهت تفاوت در ساختار طبیعی خلقت زن و مرد و تفاوت در مجازات به جهت تفاوت در ساختار طبیعی خلقت زن و مرد و تفاوت بین وظایف و تکالیف آن‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر در وضع احکام و تکالیف تنها تفاوت طبیعی مبنا قرار می‌گیرد و به معنای پایین تر دانستن یک جنس نسبت به جنس دیگر نیست (مهرپور، ۱۳۸۴: ۵۷).

در رابطه با نقش جنسیت در تعیین کیفر تعزیری یک بار نقش جنسیت بزهکار و یک بار نقش جنسیت بزه دیده در تعیین کیفر تعزیر مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین جایگاه و نقش جنسیت در ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی که حاوی اصول رهنمود محور تعیین کیفر تعزیری است مورد بررسی قرار می‌گیرد. تا به این سوال پاسخگو باشد که نقش جنسیت بزهکار و بزه دیده در تعیین کیفر تعزیری چگونه است؟ و همچنین جایگاه جنسیت بزهکار و بزه دیده در اصول رهنمود محور تعیین کیفر تعزیر کجا است؟

در حقوق کیفری ایران به بررسی نقش جنسیت در تعیین کیفر تعزیری و همچنین بررسی جایگاه جنسیت در ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی که مستند قانونی اصول رهنمود محور است کمتر پرداخته شده است که در این قسمت از پژوهش به بررسی جایگاه و نقش جنسیت در تعیین کیفر تعزیری با تأکید بر ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی می‌پردازیم.

۱- جنسیت بزهکار در تعیین کیفر تعزیری

جنسیت واقعیتی انکارناپذیر در نظام آفرینش بوده که افراد انسانی را از همان ابتدای خلقت به دو گروه زن و مرد تقسیم کرده است. این تمایز دیرینه از یک سو پایه گذار زنجیره حیات بشری و از سوی دیگر زمینه ساز رویارویی در مقایسه پایداری است که پایان آن هیچ‌گاه فرا نخواهد رسید (هاشمی، ۱۳۸۳: ۲۲۳).

اساساً جنسیت عاملی برای تفاوت در مجازات نیست بلکه تأکید اسناد و مقررات ملی یا بین‌المللی بر تساوی حقوق زن و مرد به دلیل نفی تبعیض‌های منفی است و تبعیض‌های مثبت (تبعیض حمایتی) را شامل نمی‌شود در این مقررات ملی می‌توان به اصل ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی اشاره کرد و در میان مقررات بین‌المللی ماده ۳ بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی و



اقتصادی فرهنگی، بند الف ماده‌ی ۲ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان ماده‌ی ۱ منشور ملل متحد و نیز ماده‌ی ۲ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر از جمله مستندات در تبعیض حمایتی از زنان است (شریعت پناهی، ۱۳۶۸: ۷۹۰).

بنابر اصل برابری افراد در قبال قانون، حقوق کیفری ذاتاً حقوق غیر شخصی است یعنی برای همه تابعان یکسان است. بدین جهت قانونگذار هنگام تعریف جرایم و تعیین مجازات‌ها از معیار دو گانه استفاده نمی‌کند اما در موارد استثنایی بعنوان یک امتیاز و حمایت برای برخی تابعان از این اصل عدول می‌شود یکی از موارد استثناء براساس جنسیت و حمایت از جنس زن است البته این تفاوت در مجازات به جهت تفاوت در ساختار طبیعی خلقت زن و مرد و تفاوت بین وظایف و تکالیف آنها می‌باشد به عبارت دیگر، در وضع احکام و تکالیف تنها تفاوت طبیعی مبنا قرار می‌گیرد و به معنای پایین تر دانستن یک جنس نسبت به جنس دیگر نیست» (مهرپور، ۱۳۸۴: ۵۷). لذا تأکید اسناد و مقررات ملی یا بین المللی بر تساوی حقوق زن و مرد در راستای نفی تبعیض منفی بوده و تبعیض‌های مثبت (حمایتی) را شامل نمی‌شود.

جنسیت یکی از ویژگی‌های فردی بزهکار در تعیین کیفر تعزیری محسوب می‌شود و این مقوله بیشتر در جرم شناسی مطرح است و در حقوق کیفری در بخش تعزیرات الزاماتی در مد نظر قرار گرفتن این مقوله در تعیین کیفر تعزیری دیده نمی‌شود نقش جنسیت در قانون مجازات اسلامی چندان نیز از دید قانونگذار مغفول نمانده به طوری که در پاره‌ای از جرایم قانونگذار قائل به تبعیض مثبت بوده.

با ملاحظه‌ی قوانین کیفری این مهم آشکار می‌شود که قانونگذار هم در تعیین عنوان مجرمانه و هم در تعیین نوع مجازات و هم در شیوه‌ی اجرای مجازات‌ها به جنسیت مرتکب توجه نشان داده است به طوری که برخی از جرایم را خاص مردان و برخی را نیز خاص زنان در نظر گرفته است. قسمت اعظم از جرایم در بخش حدود قرار دارد که به جهت پرهیز از خروج موضوعی از اشاره به آن موارد صرف نظر می‌نمائیم اما در بخش تعزیرات مطابق با ماده‌ی ۱۵۳ قانون حمایت خانواده، عدم پرداخت نفقه جرم بوده و از آنجا که پرداخت نفقه مطابق با ماده‌ی ۱۱۰۶ ق.م.ا از وظایف مردان است بنابراین این جرم از جمله جرایم مختص مردان است.

۱ - ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱: (اصلاحی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳) - هر کس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تادیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع کند به حبس تعزیری بیش از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزائی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود.

تبصره - امتناع از پرداخت نفقه زوجه‌ای که به موجب قانون مجاز به عدم تمکین است و نیز نفقه فرزندان ناشی از تلقیح مصنوعی یا کودکان تحت سرپرستی مشمول مقررات این ماده است.

۲ - ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی: در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است.



هم چنین تزویج زن شوهردار یا در عده‌ی دیگری (ماده‌ی ۱۶۴۴ ق.م.ا)، از ایجاد مزاحمت برای بانوان و اطفال (ماده‌ی ۲۶۱۹ ق.م.ا)، عدم ثبت ازدواج دائم طلاق و رجوع (ماده‌ی ۴۹ قانون حمایت خانواده)، ازدواج با نابالغ بدون اذن ولی (ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده)، غیبت و فرار از خدمت و ازدواج مرد غیر ایرانی با زن ایرانی بدون رعایت مقررات (ماده‌ی ۵۱ قانون حمایت خانواده) از جمله جرایم اختصاصی مردان محسوب می‌گردد اما عناوین مجرمانه دیگری نیز وجود دارد مختص زنان بوده از جمله عدم رعایت حجاب شرعی (تبصره ماده ۶۳۸ ق.م.ا)

۱ - ماده ۶۴۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده): [اجزای نقدی اصلاحی ۱۳۹۹/۱۱/۰۸] - کسانی که عالماً مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس از شش ماه تا دو سال و یا از ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ تا ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی محکوم می شوند:

- ۱- هر زنی که در قید زوجیت یا عده دیگری است خود را به عقد دیگری درآورد در صورتی که منجر به واقعه نگردد.
- ۲- هر کسی که زن شوهر دار یا زنی را که در عده دیگری است برای خود تزویج نماید در صورتی که منتهی به واقعه نگردد.
- ۲ - ماده ی ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده): هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شوون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.
- ۳ - ماده ۴۹ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱: چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام یا پس از رجوع تا یک ماه از ثبت آن خودداری یا در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است از ثبت آن امتناع کند، ضمن الزام به ثبت واقعه به پرداخت جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می شود. این مجازات در مورد مردی که از ثبت انفساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق استنکاف کند نیز مقرر است.
- ۴ - ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱: هرگاه مردی برخلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی ازدواج کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود هرگاه ازدواج مذکور به واقعه منتهی به نقض عضو یا مرض دائم زن منجر گردد زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه پنج و اگر به واقعه منتهی به فوت زن منجر شود زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می شود.
- تبصره- هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسوول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه در ارتکاب جرم موضوع این ماده تأثیر مستقیم داشته باشند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شوند. این حکم در مورد عاقد نیز مقرر است.
- ۵ - ماده ی ۵۱ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱: هر فرد خارجی که بدون اخذ اجازه مذکور در ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی و یا برخلاف سایر مقررات قانونی با زن ایرانی ازدواج کند به حبس تعزیری درجه پنج محکوم می شود.
- ۶ - ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده): هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی باشد ولی عفت عمومی را جریحه دار نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.



خود را به عقد دیگری در آوردن در زمان زوجیت یا عده (بند ۱ ماده ۱۶۴۴ ق.م.ا). تفاوت دیگر از بعد جنسیت، تفاوت در تعیین نوع مجازات میان زنان و مردان است که این تفاوت در تعزیرات راه ندارد و بیشتر در حدود که حد زنا، مساحقه و قوادی و ارتداد از نمونه‌های آن است که به جهت پرهیز از خروج موضوعی از پرداختن به آنها صرف نظر می‌نماییم و موارد مورد اشاره نیز صرفاً از باب حفظ انسجام مطالب می‌باشد و آخرین تفاوت، تفاوت در شیوهی اجرای مجازات می‌باشد که این تفاوت نیز در حدود و جرایم مستوجب قصاص به چشم می‌خورد و در تعزیرات تفاوتی از این حیث دیده نمی‌شود.

قانونگذار ایران در قلمرو قوانین ماهوی هیچ‌گونه نگاه تبعیض آمیزی که جنبه‌ی حمایت از جنیت زنان داشته باشند نسبت به جنسیت زن نداشته و منظور از تبعیض مثبت نسبت به جنسیت زن، در مرحله‌ی تعیین کیفر است عبارت دیگر در قوانین کیفری ایران بستری مناسب و ظرفیتی قانونی که از بزهکاران زن بتواند حمایت مناسب در راستای اصلاح و درمان و صدور کیفری مناسب و متناسب نماید وجود ندارد.

هرچند که قانونگذار ایرانی در قلمرو حقوق کیفری شکلی نیز بنابر ملاحظات زیستی و جسمانی ویژه‌ی زنان، قوانین و مقررات متفاوتی را که حاکی از سیاست ویژه‌ی افتراق آمیز به متهمان و مجرمان زن است وضع کرده است و در حقوق کیفری ایران با وجود این که جنسیت نباید در اعمال قواعد حقوقی اشخاص تأثیری داشته باشد، زیرا اشخاص به حکم اصل برابری قانون باید موقعیت یکسانی داشته باشند قانونگذار بنا به ملاحظاتی که حتی گاهی در قواعد فقها و شرعی ریشه دارد، به ویژه در مرحله بازجویی و اجرای مجازات میان زنان و مردان قائل به تبعیض مثبت شده است ویژگی‌های جنسیتی زنان و موقعیت خانوادگی آنان موندگاری شده است قانونگذار موقعیت‌های متفاوتی را در راستای حمایت از آنان پیش بینی نماید (موذن- زادگان و تدین، ۱۳۹۳: ۴۵).

جنسیت بزهکار هر چند که در قوانین شکلی و در پاره‌ای از قوانین ماهوی کیفری نظیر حدود با نگاه ارفاق آمیز قانونگذار همراه بوده اما جنسیت زن در اصول رهنمود محور تعیین کیفر تعزیری هیچ‌جایگاهی نداشته به طوری که قانونگذار در این راستا فقط به «وضعیت فردی» اشاره نموده است حال آنکه جایگاه خطیر زنان در جامعه و داشتن نقش‌های اجتماعی- افتراقی حساس در کانون خانواده ایجاب می‌کرد که قانونگذار به نقش جنسیت به طور علی حده اشاره می‌نمود و آنرا به عنوان یکی از بندهای ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی در نظر می‌گرفت از طرف دیگر کیفیات مخفیه در مفهوم اعم کلمه نیز ظرفیتی اختصاصی

۱- ماده ۶۴۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده): [جزای نقدی اصلاحی ۱۳۹۹/۱۱/۰۸] کسانی که عالماً مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس از شش ماه تا دو سال و یا از ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ تا ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند:

۱- هر زنی که در قید زوجیت یا عده دیگری است خود را به عقد دیگری درآورد در صورتی که منجر به واقعه نگردد.

۲- هر کسی که زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای خود تزویج نماید در صورتی که منتهی به واقعه نگردد.



برای زنان بزهکار ندارد و در هیچ یک جنسیت زن را بعنوان معیاری جهت برخورداری زنان بزهکار از آن تأسیسات در نظر نگرفته است جز اینکه بند «ث» ماده ۳۸ ق.م.ا «به وضع خاص متهم» اشاره نموده است که این عبارت هم چندان واضح در راستای برداشت به نفع زنان بزهکار نیست از طرف دیگر جایگزین‌های حبس نیز که در مواد ۶۴ الی ۸۸ قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است تفاوتی بین زن و مرد در شیوهی اجرای آن پیش بینی نموده است که تمامی موارد عنوان شده حاکی از عدم توجه به جنسیت زن یا توجه ناکافی به زنان در تعیین کیفر تعزیری می‌باشد.

۲- جنسیت بزه دیده در تعیین کیفر تعزیری

استعداد یا پیش زمینه‌ی بزه دیدگی زنان را می‌توان هم درون خانه و هم بیرون خانه از آن بررسی کرد در بیرون از خانه بدلیل خصوصیت‌های خاص زیست‌شناسی که آنها را هدف‌های مناسبی برای بزهکاران بالقوه قرار میدهد و ممکن است در معرض تعرضات جسمی و جنسی قرار بگیرند و در درون خانه بدلیل بالا بودن «رقم سیاه بزهکاری» در خشونت‌های خانوادگی، آسیب‌پذیری زنان افزایش می‌یابد (زینالی، ۱۳۸۳: ۴۵). منظور از رقم سیاه، میزان واقعی جرایم علیه زنان در مقایسه با بزهکاری قانونی و جرایم اعلام شده است.

در این میان زنان بدلیل وضعیت خاص زیست‌شناختی و اجتماعی، پیش‌زمینه و استعداد قبلی بزه دیدگی را دارند و براساس یافته‌های جرم‌شناختی، بزهکاران بالقوه قربانیان خود را اغلب از میان افرادی انتخاب می‌کنند که ارتکاب جرم بر روی آنها خطر و هزینه‌ی بالایی نداشته باشد بنابراین زنان به منزله‌ی افراد بالقوه، آسیب‌پذیرتر از مردان آماج مطلوبی برای آنها به شمار می‌روند (کریمی، ۱۳۹۵: ۱۱۴).

در همه‌ی کشورها پدیده‌ی بد رفتاری، با زنان وجود داشته است و همواره این پرسش مطرح بوده است که آیا نظام عدالت کیفری در امر مبارزه با خشونت علیه زنان ساختار مناسبی دارد یا خیر؟ پاسخ به این پرسش موجب پدید آمدن نوع دیگری از خشونت بنام خشونت سیاسی یا قانونی شده است خشونت سیاسی با عملکرد جرم‌های قدرت رسمی، یعنی دولت، علیه زنان اعمال می‌شود این نوع خشونت به صورت غفلت از حقوق انسانی زنان در قانونگذاری انعکاس می‌یابد و به صورت فقدان پشتیبانی از برابری حقوق زن و مرد در سیاست گذاری ظاهر می‌شود و به ویژه در برنامه ریزی‌های فرهنگی مدت تجلی می‌یابد به سخن دیگر، خشونت سیاسی علیه زنان به استناد برداشت‌های خاصی از دین و هنجارهای اجتماعی تقویت شده و گسترش یافته است (کار، ۱۳۷۹: ۳۸۲).

خشونت علیه زنان به هر گونه خشونت براساس جنسیت اطلاق می‌شود که نتیجه یا پیامد احتمالی اش صدمه یا آزار فیزیکی، جنسی یا روانی زنان باشد صرف نظر از اینکه در محیط‌های عمومی یا در زندگی خصوصی رخ دهد چنین رفتاری ممکن است با تهدید یا اجبار یا سلب مطلق اختیار و آزادی انجام شود و در جمع یا خفا رخ دهد.

با بررسی حقوق کیفری ایران و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به ویژه مواد ۱ و ۲ و ۳ کتاب اول، در کلیات قانونگذار در تعریف جرم، احراز آن و تعیین مجازات میان جنسیت زن و مرد هیچ تفکیکی قائل نشده



است اما هنگام اجرای مجازات به ویژه مجازات‌های شرعی، تفکیک جنسیتی قائل است در نقطه‌ی مقابل بزهکاری، در بزه دیدگی به جنسیت توجه ویژه ای شده است به طوری که قانونگذار برای حمایت از بزه دیدگان، جنسیت را در نظر گرفته است (کریمی، ۱۳۹۵: ۱۱۵).

به نظر می‌رسد اقدام قانونگذار در راستای حمایت از بزه دیدگان در مقام تشدید مجازات بزهکاران با بزه دیده‌ی زن در راستای جرم انگاری و کیفرگذاری بوده و با مذاقه در سراسر قوانین کیفری موردی به چشم نمی‌خورد که بعنوان ظرفیت قانونی در ید قضات در مرحله‌ی کیفر گزینی باشد به طوری که در جایی که بزه دیده زن باشد در راستای حمایت از چنین بزه دیدگانی کیفر تعیین از سوی قضات متمایز با بزه دیدگان مرد باشد به عبارت دیگر قانونگذار در اصول رهنمود محور علاوه بر اینکه به نقش بزه دیده اشاره ای ننموده به جنسیت نیز نه از باب جنسیت مرتکب و نه از باب جنسیت بزه دیده توجهی ننموده است اما قانونگذار در جرم انگاری برخی جرائمی که بزه دیدگان آنها زن باشند مواردی را در این راستا در جهت حمایت از جنسیت زن در قانون پیش بینی نموده است و جنسیت بزه دیده در پاره ای از موارد موجب تخفیف مجازات بزهکار (نه تخفیف قضایی و قانونی بلکه کاهش مجازات به نسبت موردی که بزه دیده آن مرد باشد) و در پاره ای از موارد نیز موجب تشدید مجازات بزهکار می‌باشد که در این قسمت از پژوهش به تبیین آنها می‌پردازیم.

۲-۱- جنسیت بعنوان یک عامل مخففه

گسترش دین مبین اسلام به خارج از سرزمین‌های دیگر و از جمله ایران، تأثیر عمیقی در مقررات حاکم بر احوال فردی و اجتماعی آنان گذاشته است. از جمله این قوانین، مقررات مربوط به چگونگی تعیین مجازات به ویژه در مورد زنی است که مجرم یا قربانی جرم باشد. علی‌رغم عدم تصریح وجود این اختلاف در مهمترین منبع احکام اسلامی یعنی قرآن کریم^۱ از یک طرف و تأکید بر تساوی در تعیین مجازات افراد از طرف دیگر از سوی بن صاحب نظران اسلامی^۲ اختلاف نظرانی در خصوص تفاوت مجازات زن و مرد بیان گردیده است و قانونگذار ایران، در برخی از کیفرها نسبت به مواردی که قربانی جرم و مجرم از یک جنس نبوده، تفاوت قائل شده است به عبارت دیگر جنس قربانی جرم و مجرم، در تعیین کیفر موضوعیت پیدا نموده و نقش اساسی در تعیین مجازات ایفاء می‌نماید. براساس مقررات قانونی، چنانچه مردی، زنی را به

۱ - اکثر فقهای اسلام از اطلاق آیه شریفه «یا ایها الذین آمنون کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر و العبد بالعبد و الاثنی بالاثنی» بصره/ ۱۷۸ و آیه مبارکه «وکتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس و العین بالعین» مانده/ ۴۵، قصاص مرد را در مقابل زن بدون پرداخت فاضل دیه مجاز دانسته و قائل به تساوی مجازات مرد در برابر زن شده اند (الجزیری، ۱۴۰۶، ه.ق: ۲۸۵ و محمودی، ۱۳۶۵: ۶۰).

۲ - نظر مشهور فقهای امامیه آن است که مرد بدون پرداخت فاضل دیه در برابر زن قصاص نمی‌شود، اما برخی از فقهای امامیه و نظر جمهور فقهای عامه نظری خلاف مشهور فقهای امامیه دارند و معتقدند که در قصاص، بین زن و مرد تفاوتی دیده نمی‌شود و مرد در برابر زن بدون پرداخت فاضلی قصاص می‌گردد.



عمد به قتل برساند، قاتل قصاص نخواهد شد، مگر آنکه اولیاء دم مقتول، نصف دیه قاتل را پرداخت نمایند یا در قتل عمد و خطای محض دیه زن، نصف دیه مرد خواهد بود. یا چنانچه مرد (در برابر زن) محکوم به قصاص عضو شود تا زمانی که دیه عضوی که ناقص شده، به ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل نرسیده باشد با هم مساوی خواهند بود و الا زن هنگامی می‌تواند قصاص نماید، که نصف دیه آن عضو را به مرد پرداخت نماید.^۱ علاوه بر موارد مذکور، می‌توان مواردی را نام برد که به دلیل جنسیت زن، مجازات‌ها کاهش و به تأخیر انداخته می‌شوند، در ماده ۱۸۲ لایحه قانونی مجازات اسلامی در حالی که برای مرد قواد، مجازات شلاق و تبعید قید گردیده است، برای زن، تنها مجازات شلاق بیان شده است. مجازات همجنس‌گرایی بین زنان (مساحقه) در قانون مذکور تنها مجازات شلاق است.^۲ در صورتی که مجازات همین عمل (لواط) بین مردان اعدام است.^۳ در قوانین شکلی نیز می‌توان از توجه به ملاحظات زیستی - فیزیولوژیکی ویژه زنان که حکایت از سیاسی ارفاق آمیز نسبت به آنان دارد، نام برد. اینکه در دوران بارداری و نقاس نباید مجازات بدنی اجراء شود (ماده ۹۱ ق.م.ا. ۱۳۷۰) و اجرای حد جلد برای زن باردار یا شیرده^۴ در صورت بیم ضرر برای حمل یا نوزاد شیرخوار به تأخیر افکنده می‌شود (ماده ۹۲ همان قانون)، همچنین مقررات مربوط به چگونگی اجرای مجازات قصاص زن (ماده ۲۶۲ همان قانون) و ماده ۳ آیین نامه چگونگی اجرای مجازاتهای اعدام، رجم، صلب، قطع یا نقص عضو مصوب ۱۳۷۰ قوه قضاییه، همگی دلالت بر نگاه ارفاق آمیز قانونگذار در تعیین و اجرای مجازات در ایران نسبت به زن دارد.

صرف نظر از توجیهاتی که برای این گونه مقررات بیان گردیده، به نظر می‌رسد که اولاً، نص صریحی در احکام قرآن در تبعیض مجازات میان مرد و زن وجود ندارد و از آیات قرآن نمی‌توان پست تر بودن جنس زن را در خصوص میزان و نوع مجازات استنباط نمود (مهرپور، ۱۳۸۴: ۵۷-۷۰). ثانیاً، احکام مربوط به قصاص و دیه از احکام امضائی اسلام بوده و با توجه به اوضاع و احوال اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه آن روز صادر گردیده بنابراین نمی‌توان گفت عدم تغییر این نوع احکام همانند احکامی و مجازات‌هایی است که در قرآن آمده است. ثالثاً، احکام مربوط به اختلاف دیه زن و مرد براساس روایات و احادیثی بیان گردیده است که روایات و احادیث معارضی در برابر آنها وجود دارد.^۴ که از نظر مبانی و مستندات از قوت و تأیید بیشتری

۱ - ماده ۲۰۹ قانون م.ا. ۱۳۷۰ مقرر می‌دارد: «هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل نصب دیه مرد را به او بپردازد» و همچنین نک: مواد ۲۵۸ و ۲۷۳ و ۳۰۰ و ۳۰۱ قانون مذکور.

۲ - مواد ۱۲۷ و ۱۲۹ ق.م.ا. ۱۳۷۰.

۳ - مواد ۱۰۸ و ۱۱۰ همان .

۴ - اولاً در قرآن کلمه دیه تنها دو بار در آیه شریفه ۹۲ سوره نساء آمده است که از میزان و اختلاف آن میان زن و مرد سخنی گفته نشده ثانیاً، در احادیثی از پیامبر مکرم اسلام آمده است که زن و مرد مسلمان با هم برابر و خون هایشان با هم یکسان می‌باشد و روایاتی به این مضمون نیز از حضرت علی علیه السلام بیان گردیده که دلالت بر حکم قطعی و غیر قابل تغییر احکام



برخوردار می‌باشند (شیری، ۱۳۹۷: ۱۰۱). رابعاً، عدم اجماع فرق اسلامی در این خصوص و حتی مذهب امامیه بر تأیید اختلاف مجازات بین زن و مرد و بالاخره اینکه، با توجه به شرایط زندگی اجتماعی و فرهنگی جامعه و علی‌رغم وجود برخی از این نوع احکام، قانونگذار آنها را احکام لاتغییری تلقی ننموده که دست بردن در آنها را مخالف موازین صریح شریعت بداند. ضرورت دارد که قانونگذار در این قسمت از مقررات تجدیدنظر نموده و با توجه به واقعیات جامعه کنونی و تحول در زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زنان، این اختلاف را مرتفع گرداند.

بحث تخفیف مجازات (نه در مفهوم تخفیف قضایی) در جایی که بزه دیده زن باشد در جرایم مستوجب قصاص و حدود به چشم می‌خورد و تمایزی از این باب در بخش تعزیرات وجود ندارد و اشاره به جرایم مستوجب قصاص و حدود صرفاً در راستای رعایت انسجام مطالب بوده هر چند که ورود به آن بحث موجب خروج از موضوع می‌باشد.

۲-۲- جنسیت بعنوان یک عامل مشدده

زن (به جهت جنسیت)، همانند وضعیت سنی، از دیگر اشکالی است که تحت تأثیر ملاحظات زیست‌شناسانه - فیزیولوژیکی می‌تواند به عنهوان هدفی مناسب برای ارتکاب جرم از سوی مجرمان باشد. آسیب‌پذیری این نوع قربانیان زمانی تشدید می‌شود که کبر سن با آنها همراه باشد و تصور شود که دارای ثروتی یا دارای مال با ارزشی هستند (کاظم پور و فرجیها، ۱۴۰۱: ۲۰۵). خشونت علیه زنان حقیقتی است که در مباحث جرم‌شناسی و بزه دیده‌شناسی نمودی برجسته‌تر از سایر انواع خشونت‌ها دارد (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ۹۶). ملاحظات فرهنگی و اجتماعی هر جامعه و وضعیت جسمی زن، موجب گردیده که کشورها در خصوص جرایمی که براساس جنسیت (زن بودن) قربانی می‌شوند، تدابیر سخت‌گیرانه تری اتخاذ نمایند. به طور کلی می‌توان رویکرد قانونگذاران را در قبال زنان قربانی جرم در سه محور مورد بررسی قرار داد. این سه محور عبارتند از: عدم تأثیر جنسیت در حمایت از آنان، اعمال رویکردی افتراقی در حمایت از آنان و محروم نمودن آنان از حمایت یکسان با مردان (مهرا، ۱۳۸۴: ۱۵۳).

نگاه به قوانین کیفری ایران، نشان می‌دهد گرچه در اکثر جرایم ارتكابی علیه زنان، تفاوتی بین آنان و مردان قائل نگردیده و رویکرد اول را اتخاذ نموده و در مواردی، شیوه دوم را در پیش گرفته است اما در

اسلامی که در مقررات قانون مجازات اسلامی آمده است، نیست و با توجه به شرایط عمومی جامعه و مصلحت عامه می‌توان دید زن و مرد را یکسان نمود و تفاوتی بین آنان قائل نشد (الحر عاملی، ۱۴۰۳: ۴۳ و الجزیری، ۱۴۰۶: ۱۵).

۱- عدم تساوی دیه غیر مسلمان با دیه مسلمان در بین فقهای امامیه کمتر مورد مناقشه بوده و همواره بر این تأکید گردیده که دیه آنها کمتر از دیه مسلمانان می‌باشد. با این حال قانونگذار ایران در سال ۱۳۸۲ براساس قانون الحاق یک تبصره به ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ مقرر نمود: «براساس نظر حکومتی ولی امر دیه اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اندازه دیه مسلمان تعیین می‌گردد. به نظر می‌رسد که با توجه به مطالب پیش گفته و با توجه به اختیاراتی که ولی فقیه در امور حکومتی دارد، حکم به تساوی دیه زن و مرد با توجه به مصالح جامعه، چندان با مانعی روبرو نباشد.



مواردی دیگر هم در مرحله‌ی جرم انگاری و هم در تعیین مجازات، به نحو شدیدتر (نسبت به مردان) به حمایت کیفری از این نوع قربانیان آسیب پذیر، برخاسته است (عظیم زاده، ۱۳۸۴: ۲۱۷) تشدید مجازات توهین و مزاحمت برای زنان در اماکن عمومی^۱ در مقایسه با مردان^۲ حمایت از زنان باردار در برابر خشونت‌های فیزیکی^۳ مجازات ترک انفاق^۴ الزام به ثبت ازدواج و طلاق با هدف جلوگیری از سوء استفاده مردان از زنان^۵ (مثلاً عدم پرداخت نفقه به آنان) و مجازات افراد فریبکار در ازدواج با آنان^۶ از بین بردن بکارت دختر^۷ حمایت کیفری در برابر ربایش^۸ و منع ازدواج زنان قبل از بلوغ و مجازات مسببین آن^۱ و

۱ - ماده ۶۱۹ ق.م.ا. ۱۳۷۵

۲ - این در حالی است، توهین به افراد دیگر، طبق ماده ۶۰۸ قانون مجازات کمتری دارد قانونگذار ایران به منظور حمایت از زنان در برابر مزاحمت خیابانی برای اولین بار در ماده ۳ لایحه قانون راجع به مجازات حمل چاقو و انواع دیگر اسلحه سرد و اخلال در نظم و امنیت و آسایش عمومی مصوب ۱۵ آبانماه ۱۳۳۶ هرگونه مزاحمت خیابانی برای زنان را ممنوع و آن را نوعی توهین تلقی و برای آن مجازات حبس از ۲ ماه تا ۸ ماه مقرر نمود. در ماده ۳ این قانون آمده است: «هرکس در اماکن عمومی یا معابر معترض و یا مزاحم زنی بشود و یا با الفاظ و یا حرکات مخالف شئون و حیثیت به او توهین نماید به حبس از ۲ ماه تا ۸ ماه محکوم خواهد شد: قانونگذار برای این جرم، بسیار اهمیت قائل شده و در ماده ۵ همین قانون دادگاه را مکلف نموده که خارج از نوبت به این جرم رسیدگی نماید. قانونگذار به این نکته توجه داشته که مزاحمت های خیابانی چون اغلب گذرا هستند، زنان فرصت چندانی برای اقامه شکایت ندارد و لذا برای تشویق آنان به شکایت رسیدگی را خارج نوبت مقرر کرده بود.

۳ - به موجب ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی: «هر کس عالماً و عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد» و قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۸۰ مقرر می داشت: «هرکس به واسطه ضرب هر نوع اذیتی موجب سقط حمل زنی گردد به حبس جنایی درجه یک از سه تا ده سال محکوم خواهد شد»

۴ - ماده ۶۴۲ همان

۵ - ماده ۶۴۵ همان

۶ - ماده ۶۴۷ همان

۷ - ماده ۴۴۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «از بین بردن بکارت دختر با انگشت که باعث م ی شود او نتواند ادرار را ضبط کند علاوه بر دیه کامل زن مهرالمثل نیز دارد».

۸ - ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «هرکس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر، شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از ۵ تا ۱۵ سال محکوم خواهد شد. در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از ۱۵ سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می گردد، آن قسمت از کیفیت مشدده تحت عنوان ورود آسیب حیثیتی به مجنی علیه را می توان به ویژه ناظر به زنان و دختران ربوده شده دانست.



ارتکاب زنا با اکراه و عنف و تعیین کیفر مرگ برای اکراه کننده (موضوع ماده ۸۲ ق.م.ا. ۱۳۷۰) عمده تلاش‌هایی است که قانونگذار ایران برای حمایت کیفری و اتخاذ رویکردی افتراقی شدیدتر در تعیین مجازات نسبت به موارد مشابه آن برای قربانیان زن اتخاذ نموده است.

عنوان دیگری از جرایم علیه اشخاص که زنان موضوع آن می‌باشد، جرم قاچاق انسان است از مهمترین و گسترده‌ترین انواع قاچاق انسان، قاچاق زنان و کودکان می‌باشد. فحشا و خرید و فروش زنان یک پدیده اختصاصی جدید نیست، بلکه از دیرباز در جوامع بشری وجود داشته است. تجارت زنان در اروپا تحت عنوان «بردگی سفید» انجام می‌گیرد و شبکه‌ها و باندهای گسترده‌ای از جمله «ترایاد، یاکوزا و مافیا» به این کار اشتغال دارند. آنها زنان را در آنچه که اصطلاحاً تجارت یا صنعت سکس نامیده می‌شود در اروپا یا در کشورهای خاور دور چون فیلیپین، کره جنوبی و تایلند برده وار به خدمت می‌گیرند. در این صنعت زنان مانند کالا قیمت گذاری شده و به عنوان وسیله لذت ساز مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند (عطازاده، ۱۳۹۷: ۱۳۸). بسیاری از آنها با وعده کار یا ازدواج از کشور خود خارج می‌شوند و بعد اسیر مراکز فساد می‌شوند براساس گزارش مرکز بین‌المللی مهاجرت در کشورهای اروپایی شرقی و مرکزی سالانه حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰

۱ - ماده ۳ قانون راجع به ازدواج مصوب ۲۳ مرداد ۱۳۱۰ با اصلاحات بعدی مقرر می‌داشت: «هر کس برخلاف ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده است مزاجت کند به ۶ ماه ۲ سال حبس جنحه‌ای محکوم خواهد شد و در صورتی که دختر به سن ۱۳ سال تمام نرسیده باشد لاقبل به ۲ الی ۳ سال حبس جنحه‌ای محکوم می‌شود و در هر ۲ مورد ممکن است علاوه بر مجازات حبس به جزای نقدی ۲ الی ۲۰ هزار ریال محکوم گردد و اگر در اثر ازدواج برخلاف مقررات فوق، موافقه منتهی به نقص یکی از اعضا یا مرض دائم زن گردد، مجازات زوج از ۵ الی ۱۰ سال حبس جنایی درجه یک است و اگر منتهی به فوت زن شود مجازات زوج حبس دائم است عاقد و خواستار و سایر اشخاصی که شرکت در جرم داشته‌اند نیز به همان مجازات یا به مجازاتی که برای معاون جرم مقرر است محکوم می‌شوند این ماده علاوه اینکه برای کسی که با دختری که به سن قانونی برای ازدواج نرسیده ازدواج کند مجازات تعیین کرده بود بلکه حمایت ویژه‌ای را از دخترانی که به سن ۱۳ سال تمام نرسیده بودند مقرر می‌داشت. همچنین ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۵ بهمن ۱۳۵۳ نیز در جهت ممنوعیت ازدواج قبل از رسیدن به سن قانونی مقرر می‌داشت: «ازدواج زن قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و مرد قبل از رسیدن به سن ۲۰ سال تمام ممنوع است معذک در مواردی که مصالحی اقتضا کند استثنائاً در مورد زنی که سن او از ۱۵ سال تمام کمتر نباشد و برای زندگی زناشویی استعداد جسمی و روانی داشته باشد به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه شهرستان ممکن است معافیت از شرط سن اعطا شود زن یا مردی که برخلاف مقررات این ماده با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده مزاجت کند حسب مورد به مجازات‌های مقرر در ماده ۳ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۶ محکوم خواهد شد» چنانکه مشاهده می‌شود این ماده برخلاف ماده ۳ قانون راجع به ازدواج مصوب ۲۳ مرداد ۱۳۱۰ برای زنی هم که قبل از رسیدن به سن قانونی ازدواج کند مجازات تعیین کرده است و حمایت کاملی از زنان به عمل نیآورده است حتی برخلاف ماده فوق‌الذکر ازدواج زنی را که به سن قانونی رسیده تحت شرایط اجازه داده است طبق قانون مجازات اسلامی (ماده ۶۴۶) ازدواج قبل از بلوغ ممنوع است ماده مذکور مقرر می‌دارد: «ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی ممنوع است چنانچه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و تبصره ذیل آن ازدواج نماید به حبس تعزیری از ۶ ماه تا ۲ سال محکوم می‌گردد».



هزار زن و دختر قربانی باندهای فحشا بوده اند. این در حالی است که در بسیاری از این کشورها، مجازاتی برای قاچاق چیان مذکور نداشتند و احتمال دستگیری و مجازات آنها بسیار پایین بوده است. براساس گزارش گروه کارشناسان شورای اروپا، میزان درآمد ناشی از این تجارت سالانه تا ۱۳ میلیارد دلار برآورد شده است. زنان در این باندها گاهی تا ۱۸ بار مورد خرید و فروش قرار می‌گیرند. براساس همین گزارش زنان در مولداوی به قیمت ۱۵۰ دلار خرید شده و بعد از ورود به ایتالیا به نرخ ۵ هزار دلار به دلالتان فروخته می‌شوند.

قانونگذار ایران^۱ به نحو مطلوبی به زوایای مختلف سوء رفتارها و سوء استفاده از زن پرداخته است. وجود اعتماد این قربانیان و عدم اطلاع از سرنوشت خود زندگی کردن در جای که آنها را مهاجر می‌شناسند، تعارض فرهنگی و زندگی در بستری که با آن بیگانه اند و اینکه اغلب این قربانیان، فاقد مدارک هویت و اقامت اند و عدم دسترسی به مراجع رسمی و غیر رسمی برای حمایت‌های قانونی، جملگی مواردی است که آسیب پذیری این نوع قربانیان را افزایش می‌دهد (عظیمی، ۱۳۹۷: ۳۹). قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ برای مرتکبان اعمال مجرمانه ای که سبب بهره‌کشی و سوء استفاده از زنان می‌شود، مجازات‌های سنگینی از جمله اعدام را در نظر گرفته است و با گسترش عناوین مجرمانه ای مانند خروج به قصد سوء استفاده یا برداشت جوارح آنها یا شروع به انجام این نوع اعمال مجرمانه هم در سطح جرم‌انگاری و هم در میزان مجازات آنها، با گستردگی و شدت بیشتری برخوردار نموده است.^۲

۱ - برای مبارزه با قاچاق و خرید و فروش انسان در ایران در تاریخ بهمن ۱۳۰۷ برای اولین بار قانون منع خرید و فروش برده در خاک ایران و آزادی برده در موقع ورود به مملکت به تصویب رسید و در تاریخ اسفند ماه ۱۳۷۳ قانون مربوط به الحاق دولت ایران به قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده فروشی و عملیات و دستگاه‌های مشابه بردگی با یک مقدمه و ۱۵ ماده به تصویب رسید.

۲ - ماده یک این قانون قاچاق انسان را اینگونه تعریف کرده است: «الف- خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیر مجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با زور و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوء استفاده از قدرت یا موقعیت فرد یا افراد یاد شده به قصد فحشاء یا برداشت اعضاء و جوارح، بردگی و ازدواج ب- تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفاء فرد یا افراد موضوع بند الف این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود» این قانون در ماده ۲ نیز برخی اعمال را در حکم قاچاق انسان محسوب کرده است به این شرح: «الف- تشکیل یا اداره دسته یا گروه که هدف آن انجام امور موضوع ماده یک این قانون باشد. ب- عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت) حمل یا انتقال مجاز یا غیر مجاز فرد یا افراد به طور سازمان یافته برای فحشاء یا سایر مقاصد (ترانزیت)، حمل یا انتقال غیرمجاز افراد به قصد فحشا هر چند با رضایت آنان باشد» چنانچه ملاحظه می‌شود در بندهای ب و ج این ماده رضایت قربانی قاچاق انسان را موثر در موضوع ندانسته و حتی با رضایت قربانی نیز اعمال فوق را قاچاق انسان محسوب کرده است اما قانونگذار در ۲ ماده فوق مجازاتی را برای مرتکبان تعیین نکرده و در ماده ۳ به امر تعیین مجازات برای اعمال ارتكابی مندرج در ماده ۱ و ۲ پرداخته است در واقع قانونگذار در تعیین مجازات خود خود قانون، شیوه احاله را در پیش گرفته است در ماده ۳ این قانون آمده است: «چنانچه عمل مرتکب قاچاق انسان» از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی بند طبق مجازاتهای مقرر در قانون یاد شده و در غیر این صورت به حبس از دو تا ده سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه دیده یا



موضوع دیگری که در جرایم علیه زنان ذکر آن مهم و اساسی است، اعمال و رفتارهایی است که در محیط خانواده علیه زن رخ می‌دهد. در خانواده به دلایل مختلف فرهنگی، مذهبی، زبانی، مالی یا هر دلیل دیگر بعضی از قربانیان خشونت خانوادگی، بیشتر از دیگران آسیب پذیر هستند و در مواردی مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند.

قانونگذار ایران، در مواردی به این مهم توجه نموده است و با جرم‌انگاری در سال ۱۳۷۵ کسانی که از طفل برای تکدی‌گری استفاده نمایند (عمدتاً والدین یا بستگان آنها می‌باشند) مجازات تا دو سال حبس برای آنها مقرر نموده است.^۱ زنی با محارم نیز از جمله این اعمال است که برای آن مجازات اعدام (موضوع بند الف و ب ماده ۸۲ ق.م. ۱۳۷۰) در نظر گرفته است. اما در خصوص جرایمی که در خانواده واقع می‌گردند، جنسیت زن تفاوتی در چگونگی تعیین مجازات مرتکب نداشته و همانند سایر قربانیان بوده و حمایت کیفری خاصی برای آنها پیش‌بینی نگردیده است.

از دیگر اعمال و رفتارهایی که موجب انحراف و فساد شده و شأن و مقام انسان را خدشه دار می‌سازد، هرزه‌نگاری می‌باشد. این گونه اعمال که قربانی آنها بیشتر زنان و کودکان هستند، مواردی همانند عکس‌ها یا نوشته‌های شهوت‌برانگیز را در بر دارد که در واقع می‌توان نوعی نمایش هنری خشونت مردان علیه زنان در این زمینه سخن به میان آورد. هرزه‌نگاری صرفاً در تصاویر مستهجن خلاصه نشده بلکه نوشته‌های مستهجن را نیز در بر می‌گیرد.^۲ قانونگذار ایران، در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ در مقابله با این نوع جرایم که عمده‌تاً زنان، قربانی آن می‌باشند، مقررات متنوع کیفری مقرر و برای مرتکبین آنها مجازات‌های مختلفی اعم از حبس، شلاق و جزای نقدی بیان داشته است که بر حساسیت قانونگذار در این خصوص دارد.^۳

شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، محکوم می‌گردد علاوه بر مراتب مذکور قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ در ماده ۶۳۹ قانون تعزیرات مقرر می‌دارد: «افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شوند و در مورد بند الف علاوه بر مجازات مقرر محل مربوطه به طور موقت با نظر دادگاه بسته تشویق نموده با موجبات آن را فراهم نماید تبصره: «هرگاه بر عمل فوق عنوان قوادی صدق نماید علاوه بر مجازات مذکور به حد قوادی نیز محکوم می‌گردد».

۱ - ماده ۷۱۳ قانون مذکور مقرر می‌دارد: «هرکس طفل صغیر یا غیر رشیدی را وسیله تکدی قرار دهد یا افرادی را به این امر بگمارد، به سه ماه تا دو سال حبس و به استرداد کلیه اموالی که از طریق مذکور به دست آورده است، محکوم خواهد شد».

۲ - کلمه «پورنوگرافی» از واژه قدیمی یونانی «پورنو» و «گرافوس» به معنای نوشتن درباره فاحشه‌ها است. پورنو به معنای فاحشه، به ویژه و منحصرأً پست‌ترین طبقه فاحشه است پورنو ارزان‌ترین (در معنای تحت‌اللفظی)، کمتر مورد توجه، کمتر حفاظت شده در میان تمام زنان از جمله بردگان بود. او به راحتی و آشکارا و کاملاً یک برده جنسی بود. گرافوس به معنای نوشتن، طراحی یا کشیدن است (حکمت‌نیا، ۱۴۰۰: ۱۸۱).

۳ - ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «اشخاص ذیل به حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و تا ۷۴ ضربه شلاق یا به دو مجازات مذکور محکوم خواهند شد. ۱- هر کس نوشته یا طرح گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اطلاعات، علائم، فیلم، نوار و یا به طور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را



۳- جایگاه جنسیت در اصول رهنمود محور (در ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی)

کیفرگزینی شامل اقدام یا فرآیندی است که قانون برای قضات تجویز نموده است و اعمال آن را در اختیار وی نهاده است اختیار قضایی سه حالت دارد یا قاضی اختیار تعیین یا میزان مجازات را دارد یا اختیار اجرای ناقص مجازات را دارد یا اختیار در عدم اجرای مجازات (حبیب زاده، ۱۳۸۴: ۱۸۵).

تعیین کیفر از امتیازات و الزامات قضایی است بعبارت دیگر وقتی جرمی به وقوع می‌پیوندد قضات ملزم به تعیین کیفر هستند اما اینکه چه نوع و چه میزان کیفر را تعیین نمایند این مقوله از اختیارات قضایی است که این پروسه از دو دسته اصول و معیار تبعیت می‌کنند، اصول ناشی از قانون و اصول فنی و تکنیکال (اصول حقوقی) از جمله اصولی هستند که قضات را در تعیین کیفر تعزیری با توجه به ظرفیتها و امکانات قانونی راهبری می‌نمایند.

مراد از اصول ناشی از قانون، اصولی هستند که در متن قانون آمده و قضات را در تعیین کیفر تعزیری رهنمون می‌سازند و در واقع ماده‌ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی تعیین کیفر تعزیری را تبیین و آن را قالب ریزی نموده است اقدامی که قانونگذار برای نخستین بار در سال ۹۲ در راستای رعایت اصل فردی کردن مجازات‌ها و اصل تناسب جرم و مجازات (تناسب عرضی) انجام داد چندان در خور تحسین نبود چرا که مولفه‌هایی نظیر بزه دیده و جبران خسارت وی، هم چنین جنسیت را به طور مستقل بعنوان اصل رهنمون محور در نظر نگرفته و از آن غافل شده است.

بررسی‌های عمل آمده در خصوص شاخص‌های کیفردهی ارائه شده در ماده‌ی ۱۸ ق.م.ا حاکمی از آن است که به واسطه ابهام و ضعف رهنمودهای تعیینی و تناقض فاحش بین سیاست جنایی قضایی و سیاست جنایی تقنینی در این حوزه احساس می‌گردد چرا که در اصل فردی کردن پاسخ‌های کیفری مسأله‌ی اصلی ایجاد تناسب بین پاسخ‌ها (نوع، شدت، نحوه اجرا) با اوصاف و شخصیت بزه‌کار است (منصورآبادی و کوناکی، ۱۳۸۹: ۱۴-۱۳).

جریحه دار نماید. برای تجازت یا توزیع به نمایش و معرض انتظار عمومی گذارد یا بسازد یا برای تجارت و توزیع نگاه دارد- هر کس اشیاء مذکور را به منظور اهداف فوق مشخص، یا به وسیله دیگری وارد یا صادر کند و یا به نحوی از انحاء متصدی یا واسطه تجارت و یا هر معامله دیگر شود یا از کرایه دادن آنها تحصیل مال نمایند. ۳- هر کس اشیاء فوق را به نحوی از انحاء، منتشر نماید یا آنها را به معرض انتظار عممئومی بگذارد ۴- هر کس برای تشویق به معامله اشیای مذکور در فوق و یا ترویج آن اشیاء به نحوی از انحاء اعلام و یا فاعل یکی از اعمال ممنوعه فوق و یا محل بدست آوردن آن را معرفی نماید. تبصره یک مفاد این ماده شامل اشیایی نخواهد بود که با رعایت موازین شرعی و برای مقاصد علمی یا هر مصلحت حلال عقلایی دیگر تهیه یا خرید و فروش و مورد استفاده متعارف علمی قرار می‌گیرد» تبصره ۲: اشیای مذکور ضبط و محور آثار می‌گردد و در جهت استفاده لازم به دستگاه دولتی ذی ربط تحویل خواهد شد. همچنین در ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در مورد عدم ثبت ازدواج آمده است: «به منظور حفظ کیان خانواده ثبت واقعه ی ازدواج دائم، طلاق و رجوع طبق مقررات الزامی است چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی مبادرت به ازدواج دائم، طلاق و رجوع نماید به مجازات حبس تعزیری تا یک سال محکوم می‌گردد».



با توجه به توضیحات فوق بنظر می‌رسد کار بست اصول رهنمود محور ناشی از قانون که در ماده‌ی ۱۸ ق.م. آمده است با چالش‌هایی همراه است و همین امر امکان توجه و الزام قضات به رعایت مولفه‌های تعیین پاسخ را تحت الشعاع قرار می‌دهد از این رو ضرورت تحلیل و تبیین هر یک از این اصول آشکار می‌گردد.

طبق ماده‌ی ۱۸ ق.م.ا «تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب مجرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد: نوع، مقدار، کیفیت اجرا» و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود دادگاه در صدور حکم تعزیری با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم

ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن

ج- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم

ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی، اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی

در ذیل هر یک از اصول مندرج در ماده‌ی ۱۸ را به صورت علمی به شرح ذیل بررسی خواهیم کرد.

۳-۱- انگیزه‌ی مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم^۱

انگیزه یک مقوله‌ی بین رشته‌ای بوده و خیلی دیر وارد قلمرو حقوق کیفری شد دلیل آن نبود تخصص کافی در این زمینه به جهت عینی رشته‌ای بودن این مقوله بود و لازمه‌ی آگاهی از بحث انگیزه تسلط نسبی نسبت به مفاهیم بنیادین حقوق کیفری جرم‌شناسی و روان‌شناسی بود انگیزه‌ی ارتکاب جرم محرک جرم بوده و در بین جرایم مشابه، مختلف متفاوت می‌باشد که در ذیل به بیان مفهوم انگیزه می‌پردازیم.

۳-۱-۱- مفهوم انگیزه

به لحاظ مفهوم لغوی و واژه‌شناسی انگیزه عبارت است از: سبب، باعث، علت آنچه که کسی را به کاری برانگیزد (عمید، ۱۳۸۶: ۲۵۸).

^۱ - در همین ارتباط بخشی از دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۹۰۱۲۹۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۳ صادر شده از شعبه ۱۹ دادگاه تجدیدنظر تهران با این استدلال که الفاظ متضمن تهدید خارج از توان و اراده متهم بوده و الفاظ تهدیدآمیز را به صورت احساسی و به دور از اراده بیان کرده است حکم برائت متهم صادر نموده است به موجب بخشی از دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۴۱۰۱۴۰۴ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۳۰ شعبه ۴۱ دادگاه تجدیدنظر تهران با این استدلال که «متهم برگزار کننده‌ی مجلس کلیمی بوده و بعنوان جشن تولد فرزندش مجلس برگزار کرده میهمانانش نیز کلیمی بوده‌اند و استعمال مشروب یا نگهداری مشروبات حسب اعتقاد دینی شان با هدف استعمال خودشان مشروع و قانونی است بنابراین تظاهر به فعل حرام و استعمال مشروبات الکلی و خرید و فروش مشروبات الکلی نداشته‌اند». حکم برائت متهمان صادر نموده است.



از منظر نظریه‌های روان‌شناختی^۱ و با کمک آموزه‌های جرم‌شناسی تعاریف بسیاری برای انگیزه ارائه گشته است که تقریباً دارای اوصاف و ویژگی‌های مشابهی هستند.

۱- انگیزه کشش درونی نهفته ای است که غالباً به صورت ناخودآگاه و در موارد کمی به صورت خودآگاه در اشخاص شکل می‌گیرد و نهفته است.^۲

۲- انگیزه‌ها اقسام گوناگونی دارند که در میان آنان انگیزه‌ی مجرمانه می‌تواند تلفیقی از تمامی اقسام انگیزه‌ها باشد.

۳- منبع اصلی انگیزه در شخصیت و هویت و ذات خارجی بعنوان محرک‌های جهت‌برانگیختگی دایم یا موقتی آنان بکار می‌رود.

۴- در ارتکاب جرایم به انگیزه مقدم بر قصد مجرمانه بوده به عبارت بهتر میل و کشش اولیه را در بزهدار بالقوه جهت گرایش به سمت ارتکاب جرم ایجاد می‌کند (صحابی، ۱۳۷۸: ۱۰).

۳-۱-۲- نقش انگیزه در تعیین کیفر تعزیری

۱- انگیزه و انگیزش یکی از مباحث مهم در دانش روان‌شناسی است؛ اهمیت این موضوع در علم روان‌شناسی سبب گشت که تلفیق انگیزه و هیجان، شاخه جدیدی از علوم را تحت عنوان «روان‌شناسی انگیزش و هیجان» در روان‌شناسی ایجاد نماید. با توجه به نوپا بودن این رشته جان مارشال ریو، استاد روان‌شناسی انگیزش کتاب خود را تحت همین عنوان «انگیزش و هیجان» نام‌گذاری نموده و شروع این حوزه در روان‌شناسی را به عنوان عصر طلایی انگیزش و هیجان معرفی می‌نماید. به اعتقاد او از دهه ۱۹۹۰ این شاخه از دانش روان‌شناسی به سمت تحول گام نهاد (ملک‌افضلی، ۱۳۹۴: ۳۱).

انگیزه و هیجان به صورت کلی تأکید بر عوامل سوق‌دهنده و جهت‌بخش به رفتار انسان دارد. در این شاخه از دانش روان‌شناسی پرسش‌های مهم زیر طرح می‌گردد: علل سرزدن بعضی از رفتارهای خاص از سوی انسان چیست؟ چرا شدت عمل این رفتارها در انسان‌های مختلف با یکدیگر تفاوت دارد؟ دلیل تکرار این رفتار در بازه‌های زمانی متعدد چیست و نقش انگیزه در دوام و بقای این رفتارها چگونه است؟ (تکینسون و همکاران، ۱۳۷۵: ۵۰۹).

۲- در حوزه علم روان‌شناسی، انگیزه‌ها از نظر تعلق یا عدم تعلق شعور به دو بخش عمده تقسیم می‌گردند: انگیزه‌های خودآگاه و انگیزه‌های ناخودآگاه، انگیزه‌های خودآگاه در واقع انگیزه‌هایی هستند که سبب می‌شوند رفتار فرد در شرایط مشابه همیشه به صورت یکسان باشد. به عبارت بهتر این نوع انگیزه‌ها بازتاب یک رفتار ثابت در اشخاص در صورت مواجه شدن با موقعیت‌های مشابه هستند. با وجود مفید بودن این قبیل گرایش‌ها و هیجان‌ها در افراد در جهت شناخت محیط پیرامون فرد، به تنهایی برای توضیح علل اساسی اقدام یعنی منشا رفتار کافی نیستند (صحابی، ۱۳۷۸: ۴۶).

از میان اندیشمندان غربی فروید نخستین کسی بود که به اهمیت انگیزه‌های ناخودآگاه در جهت یافتن علیت رفتاری اشاره نمود. از نظر فروید، انگیزه ناخودآگاه، انگیزه‌ای است که فراخون فرد آن را انکار نموده و به سطح ناهشیار شخص سوق می‌دهد. از نظر وی همین سانسور اخلاقی که توسط قسمت فراخود صورت می‌پذیرد، غالباً تمایل به سمت خواسته‌های ممنوع در فرد را بیشتر نموده و اغلب این خواسته‌های ممنوع در حیطه روابط جنسی و رفتارهای پرخاشگرانه قرار می‌گیرد (برونو، ۱۳۷۰: ۴۶).



در حقوق کیفری اصلی وجود دارد تحت عنوان اصل عدم تأثیر انگیزه در ارتکاب جرم و تعیین مجازات اما این اصل واجد استثناء است به طوری که بند الف ماده‌ی ۱۸ ق.م.ا انگیزه را بعنوان یک پارامتر و اصلی در تعیین کیفر تعزیری مد نظر قرار داده و قضات را مکلف به در نظر گرفتن آن در تعیین کیفر تعزیری نموده است. به طوری کلی در سه موقعیت انگیزه دارای اثر است که در ذیل به بررسی آن خواهیم پرداخت.

۳-۱-۲-۱- از موجبات سقوط مجازات

در برخی از جرایم انگیزه از مقدمات عنصر روانی جرم است بعبارت دیگر در این موارد چون انگیزه بخشی از عنصر روانی را تشکیل می‌دهد برای اثبات جرم بایستی این امر به اثبات برسد و در صورت عدم اثبات این مقوله، نمی‌توان جرم منظور را، ارتکاب یافته تلقی نمود مانند ماده ۶۹۹ ق.م.ا. بخش تعزیرات که مقرر می‌دارد: «هر کس عالماً عامداً به قصد متهم نمودن دیگری آلات و ادوات جرم و اشیایی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می‌گردد بدون اطلاع آن شخص در منزل یا محل کار کسی یا جیب یا اشیایی که متعلق به اوست بگذارد یا مخفی کند یا به نحوی متعلق به او قلمداد نماید و در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد پس از صدور قرار منع تعقیب و یا اعلام براءت آن شخص، به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود» بنابراین اگر شخص فاقد وضعیت روانی خاص بود و از اوضاع و احوال ارتکاب جرم نتوان وجود این انگیزه را احراز نمود نمی‌توان شخص را مرتکب جرم دانست در باب همین موضوع نظریه شماره ۷۱۸۹۸۷ مورخ ۱۳۸۱/۹/۳۰ اداره حقوقی قوه قضائیه «برحسب مواد ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹ ق.م.ا» اگر شاکی که در مقام احقاق حق و رفع ظلم از خود علیه کسی شکایت کند و عملی یا امری را صریحاً به او نسبت دهد که قانوناً جرم است ولی نتواند صحت این اسناد را به اثبات برساند بعنوان مفتری قابل تعقیب و مجازات نیست زیرا در جرم افترا نیز مثل سایر جرایم عمدی از جمله عناصر متشکله جرم سوء نیت یا عنصر معنوی آن است، در اعلام شاکی، عنصر معنوی جرم افترا وجود ندارد و فقط نتوانسته است دلیل و محکمه پسند به مقامات قضایی ارائه کند بعلاوه مفتری لغتاً و اصطلاحاً به کسی اطلاق می‌شود که با دروغ و صحنه سازی به منظور هتک حرمت دیگری نسبت خلاف واقع به او بدهد مضافاً شاکی و متضرر از جرم شرعاً و قانوناً شخصاً مجاز به انتقام شخصی نیست و راهی جز اعلام شکایت به مراجع صالحه نخواهد داشت و از طرفی به دور از عدالت است به جای رفع ظلم، شاکی را به عنوان متضرر کیفر، بدانیم و از ظلم و مجرم حمایت کنیم البته اگر کسی به منظور اضرار به غیر اکاذیب به وی نسبت دهد و قادر به اثبات آن نباشد به عنوان مفتری قابل تعقیب است (کربلایی، ۱۴۰۰: ۹۴).

۳-۱-۲-۲- از موجبات تخفیف مجازات

در برخی موارد انگیزه باعث تخفیف مجازات می‌شود در این مورد قانونگذار یک قاعده‌ی کلی در ماده‌ی ۳۸ ق.م.ا مقرر داشته است جهات تخفیف عبارتند از:



پ- اوضاع و احوال خاص موثر در ارتکاب جرم از قبیل رفتار یا گفتار تحریک آمیز بزه دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم...

نکته ای که باید مدنظر قرار گیرد این است که قانونگذار در مواردی که به صورت استثناء، انگیزه را دارای اثر تلقی کرده است اما باید توجه داشت که این امر را نمی‌توان مفروض دانست و با صرف ارتکاب رکن ماده‌ی جرم و با معیاری نوعی، این وضعیت روانی را تحقق یافته مدنظر قرار داده و لازم است دادستان انگیزه‌ی مرتکب و انطباق آن با آنچه قانون بیان کرده است اثبات نماید انگیزه جزء عناوین قصديه فردیه است و انگیزه تبعی نباید مدنظر قرار گیرد هم چنین تأثیرات استثنایی انگیزه‌ی شرافتمندانه را می‌توان به صورت ذیل آورد.

الف- تأثیر انگیزه شرافتمندانه در ایجاد برخی از نهادها و تأسیسات ارفاقی: که مصداق بارز این نهادها و تأسیسات ارفاقی در جرم سیاسی نمایان می‌شود.

ب- تأثیر انگیزه شرافتمندانه در انتفاء در مسئولیت کیفری: که مصداق بارز آن قاعده‌ی احسان و شخصی که با نیت احسان اقدام به عملی می‌کند اما عمل شخص سبب خسارت به شخص دیگری می‌شود (همان: ۹۵).

۳-۱-۲-۳- از موجبات تشدید مجازات

در برخی موارد وجود انگیزه موجب تشدید مجازات مرتکب جرم می‌شود مثلاً مجازات خرابکاری در وسایل و تأسیسات مورد استفاده عمومی به موجب ماده ۶۸۷ ق.م.ا. بخش تعزیرات حبس از سه ماه تا ده سال است اما تبصره یک این ماده وجود انگیزه ای خاص را باعث تشدید مجازات دانسته و مقرر داشته است: «در صورتی که اعمال مذکور به منظور اخلال در نظم و امنیت جامعه و مقابله با حکومت اسلامی می‌باشد مجازات محارب را خواهد داشت در دو تبصره ماده ۵۲۵ بخش تعزیرات نیز مشابه چنین رویکرد تشدید براساس انگیزه مرتکب مورد پذیرش قرار گرفته است و قانونگذار مقرر کرده است «هر کس عمداً و بدون داشتن مستندات و مجوز رسمی داخلی و بین المللی و به منظور القاء شبهه در کیفیت تولیدات و خدمات از نام و علائم استاندارد داخلی یا بین المللی استفاده و به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد (همان).

۳-۲- شیوه‌ی ارتکاب جرم، گستره‌ی نقض وظیفه و آثار^۱ زیانبار آن

۱- در همین راستا، در بخشی از دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۷۴۰۰۸۲۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۹ صادر شده از شعبه ۱۴ دیوان عالی کشور چنین آمده است: «دادگاه برای احراز و تطبیق میزان نقش متهم با ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی (ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) و تصدیق محاربه، اقدامات وی را موثر شناخته و استناد به مواد ... حکم به تبعید در حبس مشارالیه را صادر نموده است لکن تأثیر اقدامات وی را بطور مشخص احصا ننموده و معلوم نشده که اقدامات وی چه تأثیر بر جامعه گذاشته یا در چه مقطعی امنیت اجتماع را مختل کرده و یا در پیش برد اهداف گروهک شیطانی چه تأثیری بر جا گذاشته است... بنابراین لازم است دادگاه به طور دقیق شخص اقدامات موثر متهم در ممنوعیت یا تعقیب در گروهک موصوف را احصاء نموده و معلوم کند چه میزان مجازات مقرر حکم غیر متناسب با میزان وی است.



قابلیت سرزنش که یکی از عناصر اصل تناسب محسوب می‌شود ارتباط بسیار نزدیکی با شیوهی ارتکاب جرم دارد به طوری که اگر چنانچه شیوهی ارتکاب جرم خشونت آمیز بوده باشد، میزان سرزنش آن جرم نیز بیشتر خواهد بود.

با این حال آنچه که مسلم است میزان خشونت و پرخاشگری بکار رفته در جرایم مختلف به یک میزان نبوده و برحسب شرایط ارتکاب جرم دارای شدت و ضعف است لکن بدیهی است که جرایم را باید برحسب میزان خشونت در شیوهی ارتکاب جرم، تقسیم بندی نموده به گونه ای که هر چه خشونت بکار رفته در یک رفتار مجرمانه بیشتر باشد بخاطر پرننگ شدن عنصر قابلیت سرزنش مرتکب، مجازات شدیدتری نیز در انتظار وی خواهد بود در واقع مبنای اصل تناسب مجازات با جرم در متناسب بودن شدت کیفر با عنایت به شدت سختی و خشونت موجود در رفتار ارتكابی بزهکار است (مهرا، ۱۳۹۸: ۶۷).

در برقراری تناسب میان جرم و مجازات قابلیت سرزنش بعنوان یک پارامتر مورد استفاده قرار می‌گیرد هر چه شیوهی ارتکاب جرم توأم با خشونت باشد به تبع آن گستره‌ی نقض وظیفه بیشتر و قابل سرزنش بیشتری را به همراه خواهد داشت.

با این حال عبارت گستره نقض تداعی کننده تعداد جرایم ارتكابی یا تعدد قربانیان حاصل از بزه است، این در حالی است که عبارت نتایج، معمولاً همین پیامدهای کیفی حاصل از بزه بوده هرچند که پیامدهای کمی را نیز ممکن است شامل گردد بعنوان نمونه نتایج کمی حاصل از جرم مانند زمانی که رفتار را در مرتکب بزه دیدگان متعددی را هدف قرار داده و دامنه قربانیان این جرم گسترده خواهد بود مصداق بارز این مورد را می‌توان در جرایم علیه تعداد غیر محصور و غیر معین از افراد، مانند بمب گذاری در اماکن عمومی دانست. چرا که تعداد زیادی از بزه دیدگان بدون مشخص بودن هدف، آسیب دیده در حالی که مرتکب، یک عمل واحد را انجام داده است (همان: ۷۶-۷۵).

نقطه مقابل این تعریف تشخیص میزان صدمه از حیث کیفی، کیفیت صرف میزان صدمه‌ی وارده، براساس میزان خسارت و آسیب‌های حاصله بوده و نه براساس تعداد بزه دیدگان نمونه‌هایی مورد را می‌توان در اختلاس‌های در سطح کلان مشاهده نمود گرچه بزه دیده‌ی این رفتار واحد است، میزان خسارت حاصله از نتیجه‌ی رفتار به قدری وسیع و گسترده است که حتی می‌تواند سبب تغییر عنوان مجرمانه از اختلاس به افساد فی الارض گردد (همان: ۷۶).

۳-۳- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم

اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم مطابق بند آخر ماده‌ی ۱۸ ق.م.ا از پارامترهایی است که قانونگذار در راستای تعیین مجازات مناسب و متناسب در نظر گرفته است و قاضی را مکلف به رعایت آن در حین صدور حکم نموده است این اصل در ماده‌ی ۳۸ ق.م.ا بعنوان یکی از جهات تخفیف در نظر گرفته شده است به طوری که قانونگذار در بند ج قانون مذکور اشاره به «کوشش متهم به منظور



تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن» نموده است که حاکی از تلاش موثر مرتکب پس از ارتکاب جرم در راستای کاهش از آثار زیانبار رفتار مجرمانه می‌باشد اما حدودی دیگر در قانون مجازات اسلامی در تبصره ۳ ماده ۷۱۹ پیش بینی شده است که موید معاذیر قانونی تخفیف بوده در نتیجه اعمال تخفیف براساس تبصره ۳ ماده ۷۳۹ ق.م.ا الزامی می‌باشد.

در نظر داشته باشید که اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم از دو حیث مدنظر قرار می‌گیرد یک از بعد مخفی نمودن آثار جرم و عدم کمک به صدمه دیده یا بزه دیده که در حوادث رانندگی به چشم می‌خورد و دیگری از بعد کاستن از آثار جرم و کمک به بزه دیده که اولی می‌تواند از موجبات تشدید مجازات و دومی از موجبات تخفیف مجازات خواهد بود.

۳-۴- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیری بر وی

مطابق مطالعات بعمل آمده در علم جرم شناسی که به علت یابی جرایم می‌پردازد دو دسته عوامل در ارتکاب جرم دخیل هستند که شامل عوامل درونی و عوامل بیرونی می‌باشد که هیچ یک از این عوامل به تنهایی نمی‌تواند دلیل ارتکاب جرم باشد بعبارت دیگر دلیل تک ساحتی نمی‌تواند بعنوان یک عامل علی حده، موجب تحقق پدیده‌ی مجرمانه شود از آن جا که دلیل ارتکاب پدیده‌ی مجرمانه متفاوت بوده بنابراین تعیین یک نوع کیفر نسبت به تمام بزه‌کاران بدون در نظر گرفتن دلیل ارتکاب جرم و هم چنین تعیین پاسخ جرم، بدون در نظر گرفتن سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی امری عبث و بیهوده بوده و نه تنها اهداف کیفر محقق نمی‌شود بلکه تالی فاسد دیگری هم خواهد داشت که عدالت کیفری با شکست مواجه خواهد شد از این رهگذر بوده که قانونگذار در ماده‌ی ۱۸ این بند را اضافه نمود و تعیین کیفر را منوط به در نظر گرفتن پارامترهای این بند نمود. بنظر می‌رسد منظور از سوابق، محکومیت موثر کیفری فرد بوده البته تعابیر دیگری نیز می‌توان از آن نمود مثلاً حسن شهرت فرد بزه‌کار. و منظور از وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و وضعیت مجرد و تأهل وی، موقعیت اجتماعی، جایگاه و پایگاه اجتماعی فرد بزه‌کار مثلاً شغل و تحصیلات وی می‌باشد و مقوله‌ی «تأثیر تعزیر بر وی» به ناظر به آینده بوده و پیش بینی این مقوله از سوی قانونگذار در ماده‌ی ۱۸ و بدنبال آن پیش بینی این مقوله از سوی قاضی امری ممکن نخواهد بود زیرا قاضی براساس اوراق موجود در پرونده و در نهایت پرونده‌ی شخصیت متهم که دسترسی به آن، چندان نیز امکان پذیر نیست تصمیم می‌گیرد.

با مذاقه در بندهای ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی این مهم استنباط می‌شود که جنسیت در هیچ یک از بندهای ماده ۱۸ جایگاهی نداشته است.

(در حالی که) جنسیت در نظام آفرینش واقعیتهای انکارناپذیر است و افراد انسانی را از همان آغاز خلقت به دو گروه زن و مرد تقسیم کرده است این تمایز دیرینه از یک سو، پایه گذار حیات بشری و



از سوی دیگر زمینه ساز مقایسه‌ی پایداری است که پایان آن هیچ گاه فرا نخواهد رسید (هاشمی، ۱۳۸۳: ۲۲۳).

اساساً جنسیت عاملی برای تفاوت در مجازات نیست بنابراین تأکید اسناد و مقررات ملی یا بین المللی بر تساوی حقوق زن و مرد بدلیل نفی تبعیض‌های منفی است و تبعیض‌های مثبت (تبعیض‌های حمایتی) را شامل نمی‌شود در رأس مقررات ملی می‌توان به اصل ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی اشاره کرد و در میان مقررات بین المللی ماده‌ی ۳ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بند الف ماده‌ی ۲ کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان، ماده ۱ منشور ملل متحد، و نیز ماده ۲ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر از جمله‌ی این مستندات در تبعیض حمایتی از زنان است (شریعت پناهی، ۱۳۶۸: ۷۹۰).

از آن جا که زنان نقش محوری در کانون خانواده ایفا می‌کنند و مقام تربیت کننده‌ی نسل بعدی محسوب می‌شوند به زندان افکندن مادران منجر به از هم گسیختگی خانواده و در هم ریختن وضعیت روحی و روانی فرزندان می‌شود بنابراین در تعیین مجازات می‌بایست دقت بیشتری بعمل آید از طرف دیگر زنان می‌بایست از محیط‌های پرخطر نظیر زندان به دور باشند اما آیا قانونگذار استلزاماتی را برای قضاات در این راستا در نظر گرفته است تا در تعیین کیفر برای زنان بزهکار حساسیت بیشتری به خرج دهند؟ آیا در تعیین کیفر تعزیری جنسیت بعنوان یکی از اصول راهبردی در نظر گرفته شده است؟ و دیگر اینکه آیا مواردی در قانون وجود دارد که برای زنان بزهکار تعیین پاسخ‌های غیرکیفری به جای پاسخ‌های کیفری جزء الزامات باشد؟ پاسخ تمامی این سوالات منفی است قانونگذار در تعیین اصول راهبردی کیفر تعزیری هر چند که به «وضعیت فردی» اشاره نموده است. یکی از چالش‌های اصول رهنمود محور عدم جامعیت و تفسیربردار بودن آن است در حالی که قانون می‌بایست صریح بوده و جای هیچ گونه تفسیری نباید در آن راه داشته باشد و لازم بود که جنسیت بطور صریح بعنوان یکی از اصول راهبردی تعیین کیفر تعزیری ملاک عمل قضاات قرار می‌گرفت و دلیل آن کاملاً واضح و مبرهن است و هرگونه اشتباه در برخورد با زنان بزهکار و عدم تعیین پاسخ مناسب تبعات جبران ناپذیری هم در سطح خانواده و هم در سطح اجتماع خواهد داشت قانونگذار علاوه بر تصریح بر جنسیت بعنوان اصول راهبردی در تعیین کیفر تعزیری می‌بایست در بحث پاسخ‌های غیر کیفری نیز تمایزاتی میان زنان و مردان در برخورداری از آن تأسیسات ارفاقی قائل می‌شد و شرایط برخورداری زنان را نسبت به مردان از آن تأسیسات را مطلوب تر می‌کرد هر چند که در شرایط تعیین شده برای هر یک از تأسیسات ارفاقی مواردی ملاحظه می‌شود که قابل تعمیم به جنس زن و استفاده به تبع آن است مثل عبارت «وضعیت فردی» در ماده‌ی ۶۴ و هم چنین عبارت «وضعیت فردی» در ماده‌ی ۴۰ قانون مجازات اسلامی. اما باز بعلم برداشت‌های متفاوت از آن عبارات موجب تشتت آراء قضاات شده و از سوی دیگر چون توسل به کیفیات مخففه در تأسیسات ارفاقی اختیاری است لذا بیشتر قضاات به جهت



غلبه‌ی اندیشه‌ی سزاگرایی و در نهایت تعیین کیفر برای زنان بدون در دست داشتن ابزاری در راستای ضابطه مند ساختن آن عواقب سوء و جبران ناپذیری خواهد داشت که خوردن انگ مجرمانه و رویایی با فرهنگ زندان و تأثیرپذیری از آن از نمونه‌های آن آثار سوء، می‌باشد.

نتیجه

از ویژگی‌های فردی تأثیرگذار بر تعیین کیفر تعزیری، جنسیت می‌باشد که نتایج حاصل از این قسمت از پژوهش حاکی از آن است که قانونگذار هم در تعیین عنوان مجرمانه و هم در شیوه‌ی اجرای مجازات، به جنسیت مرتکب توجه نشان داده است به طوری که برخی از جرایم خاص مردان و برخی دیگر خاص زنان است اما جنسیت در اصول رهنمود محور هیچ جایگاهی نداشته و امتیازی در تعیین کیفر برای زنان بزهکار و بزه دیده محسوب نمی‌گردد. همچنین در خصوص جنسیت بزه دیده و تأثیر آن بر کیفر تعزیری شایان ذکر است که جنسیت بزه دیده در پاره‌ای از موارد موجب تخفیف مجازات است تخفیف در این مفهوم به معنای تخفیف قضایی نیست بلکه به معنای مجازات کمتر نسبت به مواردی است که بزه دیده‌ی آن مرد است و در پاره‌ای از موارد نیز موجب تشدید مجازات مثل ماده‌ی ۶۱۹ ق.م.ا می‌شود.

بنابراین در راستای برون رفت از چالش عدم توجه قانون گذار به نقش جنسیت در تعیین کیفر تعزیری در ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی پیشنهاد می‌شود که قانونگذار به نقش جنسیت که از نظر قانونگذار این مقوله‌ی بسیار مهم مغفول مانده به بندهای ماده‌ی ۱۸ ق.م.ا اضافه گردد که نتیجه‌ی این اقدام این می‌تواند باشد که آرائی متناسب با این مقوله به جهت نقش حساس زنان در جامعه چه در جایی که بعنوان بزهکار نقش آفرینی نماید و چه در جایی که بعنوان بزه دیده‌ی جرم قرار گیرند از سوی قضات صادر گردد و همچنین اعمال تأسیسات ارفاقی با عنایت به الزامی بودن رعایت بندهای ماده ۱۸ از سوی قضات در مواردی که بزهکار جرمی زن باشد، الزامی گردد. همچنین در مواردی که بزه دیدگان جرمی جنس زن باشد بزهکار بیشتر نسبت به مواردی که بزه دیدگان جرمی مرد هستند پاسخگو باشند.



منابع

الف) کتب

- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۹۸). «بزه دیده شناسی حمایتی». چاپ دوم، تهران: انتشارات دادگستر.
- شریعت پناهی، ابوالفضل. (۱۳۶۸). «حقوق اساسی و نهادهای سیاسی». تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- عمید، حسن. (۱۳۸۶). «فرهنگ فارسی عمید». جلد دوم، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کار، مهرانگیز. (۱۳۷۹). «پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران». تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۷۴). «درباره ی اقدامات تأمینی و تربیتی». (دیباچه در: قاسمی، ناصر). چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- هاشمی، سید محمد. (۱۳۸۳). «مجموعه مقالات حقوق بشر و مفاهیم مساوات انصاف و عدالت». تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

ب) مقالات

- حبیب‌زاده، محمدجعفر و زینالی، امیرحمزه. (۱۳۸۴). «درآمدی بر برخی محدودیت‌های علمی جرم‌انگاری (ضرورت ارزیابی منافع و مضار ایجاد یک جرم)». دوره ۱۱، شماره ۴۹، صص ۲۶-۳.
- زینالی، حمزه. (۱۳۸۳). «اثرات فقدان حمایت کیفری مناسب از زنان بر بزه دیدگی آنها». فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۳.
- شیری، عباس. (۱۳۹۷). «حقوق و نیازهای بزه دیده در مرحله پلیسی». فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال ۲۰، شماره دوم.
- عطازاده، سعید. (۱۳۹۷). «بررسی فقهی حقوقی مقابله با قاچاق زنان با نگاهی به اسناد بین‌المللی». فصلنامه پژوهشی تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال اول، شماره اول، صص ۱۵۸-۱۲۷.
- عظیمی فاطمه. (۱۳۹۷). «تغییر جنسیت و آثار کیفری آن». مجله پزشکی قانونی ایران، سال ۲۴، شماره اول، صص ۴۶-۳۴.
- کاظم‌پور، ثنا و فرجیها، محمد. (۱۴۰۱). «تبیین نظری تأثیر جنسیت بر تعیین مجازات مجریان مواد مخدر در بستر عدالت کیفری تطبیقی». مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۶، شماره ۱۱۷، صص ۲۳۱-۲۰۱.
- کریمی، مهدی. (۱۳۹۵). «پژوهش میدانی تأثیر جنسیت زن در تعیین مجازات کیفری مطالعه ی موردی دادگاه های کیفری مشهد (۱۳۹۲)». پژوهشنامه زنان پژوهش علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره دوم، سال هفتم.



مهر، نسرین. (۱۳۹۸). «تأثیر مؤلفه های جرم بر تعیین مجازات». فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۸۸، صص ۸۳-۶۳.

مهرپور، حسین. (۱۳۸۴). «بررسی تفاوت اجرای حکم قصاص در مورد زن و مرد». نشریه راهبرد، شماره ۳۷.

مودن زادگان، حسنعلی و تدین، عباس. (۱۳۹۳). «زن در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه»، فصل نامه ی پژوهش حقوق کیفری، سال ۲، ش ۶.

ج) پایان نامه

صحابی، منصور. (۱۳۷۸). «تأثیر انگیزه در حقوق کیفری ایران». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

کربلایی، ناصر. (۱۴۰۰). «تأثیر انگیزه شرافتمندانه مجرم در مسئولیت کیفری». پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده سیستان و بلوچستان.